

Criteria for Identifying the Narrations of Revelation Occasions Transmitted from the Sunnis to the Shiite Exeges¹

Seyyed Mohammad Olyanasab*

Seyyed Reza Moaddab** **Seyyed Ziya al-Din Olyanasab*****

(Received on: 2020-04-22; Accepted on: 2020-10-04)

Abstract

Some of the narrations of revelation occasions in Shiite exeges do not have a Shiite source and have been transferred from Sunni sources to Shiite commentaries. Considering the position and role of the narrations of revelation occasions, as separate evidences in understanding the Quranic verses, it is necessary to carefully examine the criteria for identifying them, because knowing the authenticity and criteria for identifying these narrations has a serious effect on their acceptance, denial and critique. The present article, by inducing and analyzing interpretive and narrative sources and reflecting on the content of some narrations of revelation occasions transmitted to the Shiite exeges, finally discovers four criteria for recognizing these narrations, with each of which the transmission of such narrations from Sunnis to Shiite interpretations is possible. These criteria are as follows: the acknowledgment of some exegetes quoting a narration from Sunni sources, historical precedence of a narration in the first Sunni sources, existence of specific Sunni narrators in the chain of transmission, and the content compatibility of a narration with the specific beliefs of the Sunnis.

Keywords: Narrations of Revelation Occasions, Transmitted Narrations, Transmitted Revelation Occasions, Criterion of Transmission, Criterion of Transmitted Narrations.

1. This article is taken from: Seyyed Mohammad Olyanasab, "Examining the Narrations of Revelation Occasions Transmitted from the Sunnis to the Shiite Interpretations", 2018, Level 3 Dissertation, Supervisor: Seyyed Reza Moaddab, Qom Seminary, Qom, Iran.

* PhD Student in Teaching Islamic Education, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran (Corresponding Author), olyanasabm@ut.ac.ir.

** Full Professor, Department of Quran and Hadith, University of Qom, Qom, Iran, srmoaddab@qom.ac.ir.

*** Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran, z.olyanasab@hmu.ac.ir.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۳۳-۱۶۰

ملاک‌های شناسایی روایات شأن نزول منتقله از اهل سنت به تفاسیر شیعه

سید محمد علیانسیب*

سید رضا مؤدب** سید ضیاء‌الدین علیانسیب***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳]

چکیده

برخی از روایات شأن نزول در تفاسیر شیعه، منبع شیعی ندارند و از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعه منتقل شده‌اند. با توجه به جایگاه و نقش روایات شأن نزول، به عنوان قراین مفصل در فهم محتوای آیه، ضروری است ملاک‌های شناسایی روایات منتقله شأن نزول به‌دقت بررسی شود؛ چراکه شناخت اصالت و ملاک‌های شناسایی این روایات، در پذیرش، نفی و نقد آنها تأثیر جدی دارد. نوشتار حاضر با بررسی استقرایی و تحلیل منابع تفسیری و روایی و تأمل در محتوای برخی از روایات شأن نزول منتقله در تفاسیر شیعه، در نهایت، چهار ملاک و معیار برای شناخت روایات شأن نزول منتقله کشف و شناسایی می‌کند که وجود هر یک از این ملاک‌ها، انتقال روایات شأن نزول از اهل سنت به تفاسیر شیعه را محتمل می‌داند. این ملاک‌ها عبارت است از: تصریح برخی مفسران به نقل روایت از منابع اهل سنت؛ تقدّم تاریخی نقل روایت در منابع نخستین اهل سنت؛ وجود رجال و راویان اختصاصی اهل سنت در سند حدیث؛ و سازگاری محتوایی روایت با باورهای خاص اهل سنت.

کلیدواژه‌ها: روایات شأن نزول، روایات منتقله، شأن نزول منتقله، ملاک انتقال، ملاک روایات منتقله.

۱. برگرفته از: سید محمد علیانسیب، بررسی روایات شأن نزول منتقله از اهل سنت به تفاسیر شیعه، استاد راهنما:

سید رضا مؤدب، پایان‌نامه سطح سه، حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۹۷.

* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول)

olyanasabm@ut.ac.ir

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران sr-moaddab@qom.ac.ir

*** دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران z.olyanasab@hmu.ac.ir

طرح مسئله

شأن نزول به اشخاص یا حوادثی گفته می‌شود که پیش از عصر نزول قرآن، معاصر آن یا پس از آن، آیه یا آیاتی از قرآن درباره آنها نازل شده است (معرفت، ۱۴۱۵: ۲۵۴/۱). برخی از روایات شأن نزول، ابتدا در کتب تاریخی، تفسیری و حدیثی اهل سنت نقل شده و سپس به تفاسیر شیعه انتقال یافته است. از این روایات، به «روایات منتقله» تعبیر می‌شود. نخستین بار سید مرتضی عسکری در کتاب القرآن و روایات المدرستین این اصطلاح را به کار برده (عسکری، ۱۳۷۴: ۱۳/۳) و برخی از این روایات را شناسایی کرده و به آن پرداخته است (همان: ۲۵۰/۳-۲۷۶). روایات شأن نزول، در فهم دقیق معنای کلام خدا و تفسیر آن نقش مهمی دارد. همچنین، شناخت اصالت این روایات، تأثیر مهمی در پذیرش یا رد آنها دارد. از سوی دیگر، شناسایی روایات منتقله به تفاسیر شیعه، نیازمند ملاک‌ها و معیارهایی است که نوشتار حاضر در صدد بررسی آن است. لذا می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که: چه ملاک‌هایی برای شناسایی روایات شأن نزول منتقله وجود دارد؟

در موضوع شأن نزول یا اسباب نزول، آثار فراوانی مستقلاً یا در ضمن کتب تفسیری نگاشته شده که هیچ یک از آنها به بحث ملاک‌های عمومی و اختصاصی انتقال روایات نپرداخته‌اند؛ ولی بررسی انتقال روایات در چند مقاله و پایان‌نامه بحث شده است؛^۱ این آثار با تحلیل روایات تفسیری، انتقال این روایات را بررسی کرده‌اند، ولی به ملاک‌های شناسایی روایات منتقله به طور عام یا ملاک‌های انتقال روایات شأن نزول به طور خاص اشاره‌ای نکرده‌اند. همچنین، نوشته مستقلی نیافتیم که ملاک‌های شناسایی روایات شأن نزول منتقله در تفاسیر شیعی را بررسی کرده باشد. از این جهت ضروری است برای شناخت اصالت و منشأ روایات شأن نزول، ملاک‌های شناسایی روایات منتقله را شناسایی کنیم.

عوامل انتقال روایات شأن نزول از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعی

انتقال روایات شأن نزول از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعه به سبب عواملی انجام شده که عبارت‌اند از:

۱. **ضرورت عقلانی و تاریخی:** در سده‌های نخستین تاریخ اسلام و پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ، گرایش‌های مختلف فکری، با باورهای گوناگونی شکل گرفتند که هر یک از آنها در مسائل بنیادین با یکدیگر اختلاف و تنازع داشتند. در این برهه، هرچند دامنه این اختلافات گاه به مواجهه فیزیکی منجر شده، همانند فتنه خلق قرآن (حداد عادل، ۱۳۹۶: ۹۳/۱۶) اما موجبات بحث،

مناظره، تألیف کتاب و بررسی و نقد علمی مباحث مختلف فکری، نظری و عملی را فراهم آورده است. روایان، مفسران و دانشمندان این دوره، با گرایش‌های مختلف فکری، سعی در مطرح کردن دیدگاه خود و اثبات آن و نقد دیدگاه‌های مخالفان در حوزه‌های گوناگون داشته‌اند. از این رو تعارضات فکری و سیاسی آن دوران، به اندازه جدایی و تفرقه کنونی جهان اسلام نبود. بنابراین، گرایش‌های مختلف و پراکندگی عقیدتی، اتکا به منابع خاص هر گرایش و بی‌توجهی به منابع گرایش‌های دیگر را ناممکن کرده بود و اگر گروهی از مسلمانان، فقط به منابع مخصوص خود اکتفا می‌کردند بسیاری از روایات کلامی، اخلاقی و فقهی برایشان استنادناپذیر می‌شد و به بن‌بست فکری و نظری و محرومیت از بخش وسیعی از معارف اسلامی دچار می‌شدند. توجه به جایگاه عقلانیت و خردورزی، به‌ویژه در اندیشه شیعی، انصاف علمی و رویکرد عالمانه به مسائل، اقتضای این روش را داشت که مسلمانان با وجود اختلافات فکری، با اعتماد به صالحان هر گرایش، بدون تأکید بر اختلافات و با صحت محتوای روایات، به نقل آنها پردازند. همین امر موجب شده است کتب تفسیری و روایی شیعه از روایان اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی، و کتب آنان از روایان شیعه مملو باشد؛ این مواجهه در نقل حدیث که نشان از صداقت علمی و اخلاقی عالمان آن دوره دارد، باعث شده است بخش چشمگیری از روایات شأن نزول تفاسیر شیعه، از منابع اهل سنت اخذ شده باشد.

۲. **ظاهر برخی از آیات قرآن کریم:** ظاهر برخی از آیات قرآن، زمینه فکری انتقال را فراهم کرده است. بدین صورت که قرآن به عنوان تنها منبع موثق نزد همه مسلمانان، نقش اساسی در آموزه‌های فکری و معرفتی آنان دارد و بخشی از آیات قرآن به عقل‌مداری (پس: ۶۸؛ بقره: ۴۴؛ یوسف: ۱۰۹)، پیروی از سخن نیکوتر (زمر: ۱۸)، برادری مسلمانان (حجرات: ۱۰)، وحدت مسلمانان (آل عمران: ۱۰۳) و وحدت کلمه بین آنها و پیروان سایر ادیان (آل عمران: ۶۴) دلالت دارد که این آیات گرچه معنایی کلی داشته و نمی‌توان آیه را در مقام بیان یا تأیید انتقال قلمداد کرد، ولی به نظر می‌رسد این بخش از آیات قرآن، زمینه‌های فکری و عقیدتی لازم برای هم‌زیستی علمی مسلمانان را فراهم کرده و زمینه اعتماد آنها به یکدیگر، در عین وجود اختلاف و تضاد فکری آنان، را ایجاد کرده است (ستار، ۱۳۹۳: ۲۰۲).

۳. **روایات شیعی زمینه‌ساز انتقال:** بخشی از روایات شیعه، غیر مستقیم می‌تواند مؤید و زمینه‌ساز انتقال روایات باشد، مانند روایاتی که به علم‌آموزی از هر منبعی دلالت دارد: «الْحِكْمَةُ صَالَةٌ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُمَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ صَالَتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۷/۸) یا روایاتی که به

علم‌آموزی هرچند از اهل شر دلالت دارند: «الْحِكْمَةُ صَالَةٌ الْمُؤْمِنِ فَلْيَطْلُبْهَا وَلَوْ فِي أَيْدِي أَهْلِ الشَّرِّ»^۳ (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۱)؛ و روایتی که درباره اخذ حکمت بدون توجه به منبع آن، صریح‌تر است: «خُذِ الْحِكْمَةَ مِمَّنْ آتَاكَ بِهَا وَأَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ»^۴ (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۶۱). از این‌رو می‌توان چنین استفاده کرد که اطلاق علم شامل علوم نقلی همچون نقل حدیث بوده و ذکر نام «چین» که در آن زمان هنوز اسلام به آنجا نرسیده بود، بر استفاده علمی از منابع غیراسلامی و به طریق اولی منابع اسلامی غیرشیعی دلالت دارد (ستار، ۱۳۹۳: ۲۰۸).

۴. روایات صریح زمینه‌ساز انتقال: برخی از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز صریحاً انتقال روایات را تأیید و بر وجه عقلانی آن تأکید می‌کند، مانند روایت هشام بن سالم از امام صادق (علیه‌السلام): «عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جُعِلَتْ فِدَاكَ عِنْدَ الْعَامَةِ مِنْ أَحَادِيثِ رَسُولِ اللَّهِ شَيْءٌ يَصِحُّ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَنَالَ وَ أَنَالَ وَ أَنَالَ وَ عِنْدَنَا مَعَاقِلُ الْعِلْمِ وَ فَضْلُ مَا بَيْنَ النَّاسِ»^۵ (صفار، ۱۴۰۴: ۳۶۳/۱).

۵. نقل روایات مناقب و فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) در منابع اهل سنت: که زمینه رجوع عالمان شیعی به منابع اهل سنت و نقل روایات فضایل برای اثبات حقانیت اهل بیت (علیهم‌السلام) و افتخار آنان بوده است.

۶. راویان مشترک روایات شأن نزول: همانند ابن‌عباس، عبدالله ابن مسعود، سعید بن جبیر و مجاهد بن جبر که عالمان شیعه و سنی به آنها اعتماد دارند (معرفت، ۱۳۸۵: ۲۱۱، ۲۱۸، ۳۰۱، ۳۱۲).

۷. جایگاه و موقعیت زمانی و مکانی برخی از عالمان شیعی: شیخ طوسی، از مفسران شیعه، نیز در انتقال روایات شأن نزول به تفاسیر شیعه و تلقی آن به پذیرش، نقش مهمی ایفا کرده است، به طوری که سید مرتضی عسکری معتقد است یکی از عوامل انتقال روایات شأن نزول، نقل بسیاری از روایات منتقله شأن نزول در تفسیر التبیان است که بخش چشمگیری از آنها در تفسیر مجمع البیان و جوامع الجامع طبرسی و سپس در بیشتر کتاب‌های تفسیری شیعه نقل شده است (عسکری، ۱۳۷۴: ۲۵۳/۳). جایگاه و وزانت علمی شیخ طوسی چنان برای مفسران پس از وی تا دوره معاصر، مشخص و ثابت است که نقل وی، به تنهایی عامل انتقال بسیاری از روایات شأن نزول اهل سنت به تفاسیر شیعه است. بر اساس احصای نگارندگان، بیش از ۵۰ روایت شأن نزول منتقله از شیخ طوسی نقل شده که نقل وی زمینه ذکر این روایات در تفاسیر شیعه و تلقی آن به قبول را فراهم کرده است (علیانسب، ۱۳۹۷: ۵۹). از این‌رو، مطالعه تاریخ‌مند روایات منتقله نیز نشان می‌دهد که آن روایات، پیش از منابع شیعی، در کتاب‌های اهل سنت نقل شده و پس از انتقال به تفاسیر شیعی، به

حدی رسیده که کمتر تفسیر شیعی یافت می‌شود که برخی از این روایات را نقل نکرده باشد؛ یعنی کمتر تفسیر شیعی یافت می‌شود که تحت تأثیر مجمع البیان قرار نگرفته باشد، در حالی که مجمع البیان نیز به نوعی، شرح و تفسیر و دسته‌بندی مطالب التبیان شیخ طوسی است.

ملاک‌های چهارگانه شناسایی روایات منتقله شأن نزول

برخی مفسران به دلایلی همچون اسکات طرف مقابل در نقل فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) از اهل سنت، به نقل روایات شأن نزول از آنان تصریح کرده‌اند. در نتیجه یکی از ملاک‌های شناسایی انتقال روایات شأن نزول، تصریح مفسران شیعی است. ملاک دوم، پیشینه نقل این روایات در کتب اهل سنت است. با بررسی رجالی روایات شأن نزول، ملاک دوم که استفاده از رجال اختصاصی اهل سنت است، نیز آشکار می‌شود و آخرین ملاک که از بررسی دلالتی روایات به دست می‌آید، سازگاری محتوایی روایات شأن نزول با باورهای خاص اهل سنت است که فرضیه انتقال این دسته از روایات شأن نزول را تأیید می‌کند. مفسران شیعه در بیان شأن نزول برخی آیات، به یک یا چند ملاک از ملاک‌های مذکور، روایات شأن نزول را از منابع اهل سنت نقل کرده‌اند. برای هر ملاک، یک یا دو نمونه از روایات منتقله شأن نزول در تفاسیر شیعه را مطرح و بررسی خواهیم کرد.

الف. تصریح مفسران شیعه به نقل از منابع اهل سنت

بخشی از روایات شأن نزول تفاسیر شیعه، به تصریح نویسندگانشان، از منابع اهل سنت نقل شده است. در این دسته از روایات، مفسران با تعبیر «عامه» و «مخالفین» به منبع پیشین روایت اشاره می‌کنند.

۱. بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه.ق.) در شأن نزول آیه «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»^۶ (بقره: ۲۵) این روایت را نقل می‌کند:

من طریق المخالفین عن ابن عباس قال فيما نزل من القرآن خاصة في رسول الله و علي (عليه السلام) و أهل بيته (عليهم السلام) دون الناس من سورة البقرة: وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ الآية، نزلت في علي (عليه السلام)، و حمزة، و جعفر، و عبدة بن الحارث بن عبدالمطلب (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۵۷/۱)؛ از طریق مخالفان، روایت شده ابن عباس گوید: از آنچه که در قرآن نازل شده و مخصوص پیامبر خدا (ص) و علی (ع) و اهل بیت ایشان می‌باشد نه سایر مردم، سوره بقره، آیه کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده.

درباره علی (علیه السلام) و حمزه و جعفر و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب نازل شده است.

بحرانی با عبارت «من طریق المخالفین» به منتقله بودن روایت تصریح دارد و حبری کوفی (متوفای ۲۸۶ ه.ق.) برای نخستین بار (حبری، ۱۴۰۸: ۲۳۵) و حسکانی (متوفای ۴۹۰ ه.ق.) از مفسران اهل سنت به نقل از وی، این روایت را در تفسیر خود آورده‌اند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۹۶/۱). فرات کوفی (متوفای ۳۵۲ ه.ق.) نیز بدون اشاره به منتقله بودن روایت، با سلسله اسناد خود به نقل از حسین بن حکم حبری روایت را در تفسیر خود نقل کرده است (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۳). بنابراین، روایت فوق به تصریح نویسنده‌اش، از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعه وارد شده است.

۲. در روایتی دیگر، استرآبادی در شأن نزول آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۷ (بقره: ۱۵۶)، از اهل

سنت نقل می‌کند:

ذکره الشيخ جمال الدين قدس الله روحه في كتاب نهج الحق و هو ما نقله ابن مردويه من طريق العامة بإسناده إلى ابن عباس قال إن أمير المؤمنين (علیه السلام) لما وصل إليه ذكر قتل عمه حمزة (علیه السلام) قال إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ فنزلت هذه الآية وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الآية. وهو القائل عند تلاوتها إِنَّا لِلَّهِ إِقْرَارًا بِالْمَلِكِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ إِقْرَارًا بِالْهَلَاكِ (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۸۷)؛ شیخ جمال‌الدین (علامه حلی) در کتاب نهج الحق از طریق عامه و به اسناد ابن مردویه از ابن عباس نقل می‌کند که وی می‌گوید: زمانی که خبر کشته شدن عموی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حمزه، به ایشان رسید، حضرت فرمود: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم». پس این آیه نازل شد. و ایشان هنگام تلاوت آن، با «ما از آن خدا هستیم» به ملکیت (خداوند) و با «به سوی او باز می‌گردیم» به هلاکت اقرار کردند.

در منابع شیعی، این روایت را نخست حلی (متوفای ۷۲۶ ه.ق.) در کتاب نهج الحق و کشف الصدق بدون سند تا «بشّر الصابرين» برای شأن نزول این آیه نقل کرده است (حلی، ۱۹۸۲: ۲۰۹). بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه.ق.) از سید رضی (متوفای ۴۰۴ ه.ق.) و ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ ه.ق.) دو روایت را نقل می‌کند که در روایت ابن شهر آشوب در شأن نزول این آیه، خبر شهادت جعفر در موته به جای شهادت حمزه ذکر شده (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۲۰/۲) و در روایت نقل شده از سید رضی برخلاف ابن شهر آشوب، بخش دوم روایت اقرار به ملک و اقرار به هلاک ذکر می‌شود (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۶۰/۱). بخش دوم این شأن نزول در روایات مختلف کتب حدیثی نقل شده است. کلینی (متوفای ۳۲۹ ه.ق.) به صورت مرفوعه از ابن ابی حمّاد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۱/۳) و سید رضی در قصار ۹۹ نهج البلاغه (رضی، ۱۴۱۴: ۴۸۵) آن را نقل کرده‌اند.

این روایت را نخستین بار ابوبکر محمد بن حسن، معروف به ابن نقّاش (متوفای ۳۵۱ ه.ق.) در تفسیر خود، شفاء الصدور نقل کرده (ابن نقّاش موصلی، بی‌تا: ۸۵) و سپس مفسران شیعی آن را در کتب خود نقل کرده‌اند. در نتیجه، علاوه بر تصریح مفسر، تقدم نقل این روایت در منابع اهل سنت یکی دیگر از قرائنی است که انتقال روایت از منابع اهل سنت را تأیید می‌کند؛ اگرچه این روایت را باید از روایات مشترک محسوب کرد که به چند سند، هرچند با تعابیر مختلف، نقل شده ولی مفسر شیعه روایت اهل سنت را انتخاب کرده و بر بیان این نقل در اثبات فضیلت حضرت علی (علیه السلام) در منابع اهل سنت اصرار دارد.

این دو روایت شأن نزول به تصریح نویسنده‌شان، به اسناد اهل سنت نقل شده تا فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را به شیوه اسکات خصم اثبات کند. در چنین نقل‌هایی، نویسنده خود از منبع روایت آگاه بوده و به قصد اقناع طرف مقابل، از منابع او در اثبات مدعای خود استفاده می‌کند. باید توجه کرد که آن بخش از روایات منتقله، دارای اهمیت بیشتری است که نویسنده بدون توجه به انتقال روایت، آن را نقل کند و از آن جهت که باعث می‌شود منابع غیراصیل، اصیل شمرده شود، زمینه خلط منابع اصیل با غیراصیل را فراهم می‌کند؛ چنان‌که در بحث تحریف قرآن، بخشی از روایات تحریف‌نمای شیعه از منابع اهل سنت به شیعه منتقل شده و بدون توجه به اصالت آنها تلقی به قبول شده است (عسکری، ۱۳۷۴: ۲۵۰/۳ و ۲۷۶). در نتیجه، این بخش از روایات منتقله که نویسنده از روی علم و عمد به انتقال آنها اقدام می‌کند، از جهت منتقله‌بودن محل بحث، بررسی و دقت نظر نیست. زیرا انتقال این دسته از روایات به منابع شیعی، عامدانه برای هدفی همچون اسکات خصم انجام شده و از این نظر زمینه بررسی، نقد و پژوهش بیشتر در آن وجود ندارد.

گزارش آماری: در نتیجه، تصریح مفسران شیعه در نقل روایت شأن نزول از منابع اهل سنت، یکی از ملاک‌های شناسایی روایات شأن نزول منتقله است. به جز دو روایت مذکور، در ۲۳ روایت تفسیری، مفسران شیعه به انتقال روایت از منابع اهل سنت تصریح کرده‌اند: یک روایت در تفسیر قمی (قمی، ۱۳۶۷: ۸۵/۲)؛ سه روایت در التبیان فی تفسیر القرآن (طوسی، بی‌تا: ۴/۱ و ۱۰/۱-۴۸)؛ یک روایت در سعد السعود (ابن طاووس، بی‌تا: ۱۰۵)؛ یک روایت در تأویل الآیات الظاهرة (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۸۶)؛ هفت روایت در البرهان فی تفسیر القرآن (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵۲/۱ و ۲۴۳/۲، ۶۱۵، ۶۶۴، ۷۸۱، ۸۲۰ و ۳۸۰/۳)؛ ده روایت در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۹۲/۳ و ۴۹۰/۴ و ۲۴۲/۵ و ۱۲۱/۶ و ۱۳۰ و ۸۷/۷ و ۱۳۱/۹ و ۱۲۲/۱۱ و ۳۱۶/۱۲ و ۴۷۲) که ده روایت از آنها به شأن نزول آیات مرتبط است: یک روایت در تفسیر قمی (قمی، ۱۳۶۷: ۸۵/۲)، یک روایت در تفسیر

التبیان، (طوسی، بی تا: ۴۸/۱۰)، سه روایت در تفسیر البرهان (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۲۴۳، ۶۶۴، ۸۲۰)، پنج روایت در تفسیر کنز الدقائق (مشهدی، ۱۳۶۸: ۴/۴۹۰ و ۱۲۱/۶ و ۱۳۱/۹ و ۳۱۶/۱۲ و ۴۷۲).

ب. تقدّم تاریخی نقل روایت در منابع نخستین اهل سنت

در ملاک سابق، تصریح مفسر شیعی به عامی بودن روایت، نشانه انتقال روایت بود، اما دومین ملاک شناسایی روایات منتقله شأن نزول، پیشی گرفتن نقل آن در کتب اهل سنت است که نشان‌دهنده انتقال روایت خواهد بود. بخش چشمگیری از روایات در تفاسیر شیعه، بدون اشاره به پیشینه سنی آن، از منابع اهل سنت نقل شده که با فحص در منابع تفسیری و حدیثی پیشین، منبع شیعی برای این روایات یافت نمی‌شود و فقط منابع اهل سنت این روایات را نقل کرده‌اند و به احتمال قوی این روایات از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعه انتقال یافته است. یکی از علمای برجسته شیعه که زمینه انتقال بسیاری از روایات شأن نزول به تفاسیر شیعه را فراهم کرده، شیخ طوسی است. شیخ طوسی از لحاظ اجتماعی و سیاسی هم‌زیستی و مراودات فراوانی با فرقه‌های گوناگون داشته و بسیاری از مشایخ و شاگردانش از اهل سنت بوده‌اند (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۶: ۶۵-۷۳). در نتیجه به دلیل ارتباط فراوان شیخ طوسی با اهل سنت و مشایخ و استادان عامی شیخ طوسی و به‌علاوه رجال تفسیر عامی فراوانی که در تفسیرش استفاده کرده (دوانی، ۱۳۶۲: ۲۸۹) یکی از مهم‌ترین عوامل انتقال روایات شأن نزول به تفاسیر شیعه، شیخ طوسی است (مؤدب و زمانی پهمدانی، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

آسیب‌شناسی روایات منتقله: روش علمای شیعه و در صدر آنها شیخ طوسی در وارد کردن روایات منتقله به تفاسیر شیعه، با اینکه موجب بهره‌مندی شیعه از منابع غیر شیعی و همگرایی مذهبی بین فرق اسلامی شده، ولی اصلی‌ترین آسیب انتقال این روایات، اختلاط روایات اصیل با غیراصیل و به وجود آمدن زمینه ورود جعل و اسرائیلیات به منابع شیعی و تشخیص ندادن سره از ناسره است (ستار، ۱۳۹۳: ۳۰۶). از این رو شناسایی روایات اصیل از منتقله، و منتقله استوار از ناستوار در جهت جلوگیری از این آسیب‌ها، به‌خصوص در روایات شأن نزول که به عنوان قرینه منفصل در فهم و تفسیر آیات قرآن شناخته می‌شوند، ضروری است. در ادامه، دو روایت از این دسته روایات نقل، و انتقال آنها از منابع متقدم اهل سنت اثبات می‌شود:

۱. شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) در بیان شأن نزول آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً»^۱ (بقره: ۲۶) می‌گوید:

رُوی عن ابن مسعود وابن عباس أن الله تعالى لما ضرب هذين المثلين للمنافقين وهو قوله «كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا» وقوله «أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ» قال المنافقون: الله أجلُّ من أن يضرب مثلاً إلى آخر الآية (طوسی، بی تا: ۱۱۰/۱)؛ از ابن مسعود و ابن عباس روایت شده که خدای تعالی هنگامی که این دو مَثَل را برای منافقان زد، و آن (دو مَثَل) «مَثَلِ كَسَانِي» است که آتشی افروختند» (بقره: ۱۷) و سخن خداوند «یا چون (کسانی که در معرض) رگباری از آسمان (قرار گرفته‌اند)» (بقره: ۱۹) بود. منافقان گفتند: خداوند برتر است از اینکه چنین مَثَلی را بزند.

سپس بعد از نقل چند وجه دیگر در شأن نزول این آیه، قول ابن عباس را نیکوتر می‌داند (طوسی، بی تا: ۱۱۰/۱).

نقل منابع شیعه: مفسران شیعه همین روایت شأن نزول را همانند نقل شیخ طوسی ذکر کرده‌اند: طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه.ق.) در جوامع الجامع (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۲/۱) و مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶۵/۱)؛ ملا فتح‌الله کاشانی (متوفای ۹۸۸ ه.ق.) در خلاصة المنهج (کاشانی، ۱۳۷۳: ۳۰/۱)؛ صدرالدین شیرازی (متوفای ۱۰۵۰ ه.ق.) (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۹۸/۲)؛ محمدحسین فضل‌الله (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹۰/۱)؛ میرزا خسروانی (متوفای ۱۳۴۵ ه.ق.) (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ۶۷/۱) و ابراهیم عاملی (متوفای ۱۳۴۷ ه.ق.) (عاملی، ۱۳۶۰: ۳۱/۱).

نقل متقدم منابع اهل سنت: این شأن نزول را برای نخستین بار طبری (متوفای ۳۱۰ ه.ق.) در جامع البیان فی تأویل القرآن به سند خود از ابن عباس و وی از «مرة بن شراحبیل» و وی از ابن مسعود و او از گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ نقل می‌کند (طبری، ۱۴۲۰: ۳۹۹/۱). ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه.ق.) وی را «ابواسماعیل مرة بن شراحبیل همدانی کوفی» ذکر می‌کند که به او «مرة الطیب» گفته می‌شده و وی را عابد و ثقه معرفی می‌کند که در سال ۷۶ یا پس از آن فوت کرده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۵۲۵/۱). همین روایت را با سندی متفاوت، ابن ابی حاتم (متوفای ۳۲۷ ه.ق.) از سَدَى نقل می‌کند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۶۸/۱).

این روایت با دو سند مذکور را بزرگان اهل سنت در تفاسیر مشهور اهل سنت نقل کرده‌اند، از جمله: عتیق بن محمد نیشابوری (متوفای ۴۹۴ ه.ق.) در تفسیر سوراآبادی (سوراآبادی، ۱۳۸۰: ۴۶/۱)، قرطبی (متوفای ۶۷۱ ه.ق.) در الجامع لأحكام القرآن (قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۴۱/۱)، سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه.ق.) در الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۱/۱)؛ آلوسی (متوفای ۱۲۷۰ ه.ق.) در روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۰۸/۱)؛ شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ ه.ق.) در فتح القدير (شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۶/۱)، شیخ احمد مصطفی

ملاک‌های شناسایی شأن نزول منتقله از اهل سنت ... ۱۴۳/

(متوفای ۱۳۷۱ ه.ق.) در تفسیر المراحی (مراغی، بی تا: ۷۱/۱)، طنطاوی (متوفای ۱۴۳۱ ه.ق.) در التفسیر الوسیط (طنطاوی، بی تا: ۸۲/۱)، وهبة بن مصطفى زحیلی (متوفای ۱۴۳۶ ه.ق.) در تفسیر الوسیط (زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۹/۱) و محمد محمود عالم معاصر در التفسیر الواضح (حجازی، ۱۴۱۳: ۲۷/۱).
بنابراین، روایت مذکور که شیخ طوسی و مفسران شیعه در کتب خود آن را نقل کرده‌اند، ابتدا در کتب اهل سنت و با سلسله اسناد آنها نقل شده و سپس مفسران شیعه آن را به منابع شیعی منتقل کرده‌اند.

۲. شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) در شأن نزول آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۹ (بقره: ۶۲) می‌گوید:

قال السّديّ: نزلت في سلمان الفارسي، وأصحابه النصاري الذين كان قد تنصر على أيديهم قبل بعث رسول الله ﷺ و كانوا قد أخبروه بأنه سيبعث، وإتهم يؤمنون به إن أدركوه (طوسی، بی تا: ۲۸۴/۱)؛ سدی می‌گوید: (این آیه) درباره سلمان فارسی و یاران مسیحی وی نازل شده که (سلمان) پیش از بعثت رسول خدا ﷺ به دست آنان مسیحی شده بود و آنان به وی خبر داده بودند که (پیامبری) برانگیخته خواهد شد و اگر او را درک کنند، به او ایمان خواهند آورد.

نقل منابع شیعه: مفسران شیعه همچون طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه.ق.) در مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶۰/۱)، صدرالدین شیرازی (متوفای ۱۰۵۰ ه.ق.) در تفسیر خود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۴۵۳/۳)، حائری تهرانی (متوفای ۱۳۵۳ ه.ق.) در مقتنیات الدرر (حائری، ۱۳۷۷: ۱۸۵/۱) و مکارم شیرازی در تفسیر الأمثل (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۲۵۱/۱) این شأن نزول را نقل کرده‌اند.

نقل متقدم منابع اهل سنت: اما در جست‌وجوی منبع نخستین این روایت، طبری (متوفای ۳۱۰ ه.ق.) با چند سند متفاوت، این روایت را از مجاهد و سدی نقل می‌کند (طبری، ۱۴۲۰: ۲۵۴/۱). منابع بعدی اهل سنت نیز این روایت را به اسناد مختلف نقل کرده‌اند: واحدی نیشابوری (متوفای ۴۶۸ ه.ق.) این شأن نزول را با اسناد خود، به نقل از مجاهد روایت می‌کند (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۸)؛ ابن عطیه اندلسی (متوفای ۵۴۲ ه.ق.) از ابن مسعود و وی از گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ به همین مضمون روایتی را نقل می‌کند (اندلسی، ۱۴۲۲: ۱۵۶/۱)؛ میبدی (متوفای ۵۳۰ ه.ق.) در کشف الاسرار (میبدی، ۱۳۷۱: ۲۱۳/۱)، ابوحيان اندلسی (متوفای ۷۴۵ ه.ق.) در البحر المحيط (ابوحيان اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۸۹/۱)، ابن کثیر (متوفای ۷۷۴ ه.ق.) در تفسیر القرآن العظيم (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۸۲/۱)، سیوطی (متوفای

۹۱۱ ه.ق.) در الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷۳/۱) و زحیلی (متوفای ۱۴۳۶ ه.ق.) در تفسیر الوسیط (زحیلی، ۱۴۲۲: ۲۹/۱) همین روایت را نقل می‌کنند.

روایت نزول این آیه در شأن سلمان و یارانش را، که در کتب مختلف تفسیری شیعه نقل شده، پیش‌تر در منابع اهل سنت، طبری با اسناد مختلف روایت کرده و سپس شیخ طوسی، با نقل این روایت، آن را از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعی انتقال داده است.

گزارش آماری: با جست‌وجو در روایات شأن نزول تفاسیر شیعه این نکته در خور توجه است که حداقل ۷۰ روایت شأن نزول به دلیل تقدم نقل در منابع اهل سنت و فقدان نقل شیعی به احتمال قوی از روایات منتقله است (علیانسب، ۱۳۹۷: ۵۹). از این‌رو ملاک فوق، از ملاک‌های شناسایی روایات شأن نزول منتقله است که کاربرد بیشتری دارد و در بیشتر این روایات، تنها دلیلی که احتمال انتقال را تقویت می‌کند، همین قرینه است. البته منع نگارش، نقل و کتابت حدیث در سده‌های نخست هجری، به خصوص برای شیعیان، عامل از بین رفتن بخش وسیعی از روایات بود (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۲۸۵/۱۰) که همین امر، یقینی بودن انتقال بسیاری از روایات را غیرممکن می‌کند. به نظر می‌رسد طبق منابع در دسترس، این دسته از روایات که نقل شیعی برای آنها یافت نشده و نقل متقدم سنی آنها موجود است، از منابع اهل سنت منتقل شده‌اند و این نیز یکی دیگر از ملاک‌های شناسایی روایات شأن نزول منتقله است.

ج. وجود راویان اختصاصی اهل سنت در سند روایت

یکی دیگر از نشانه‌های انتقال روایات شأن نزول، وجود راوی اختصاصی اهل سنت در سند روایت است. از آنجا که راویان شیعی از امثال عمر بن خطاب روایتی نقل نمی‌کنند، اگر سند روایتی در تفاسیر شیعه به وی ختم شود، می‌توان انتقال روایت از منابع اهل سنت را احتمال داد. تنها دلیل بر انتقال این دسته از روایات شأن نزول، اجماع شیعه بر در خور اعتماد نبودن این روایات است؛ به خصوص این حساسیت در اثبات شأن نزول آیات که قرینه فهم و تفسیر آیات کتاب خدا و درک معارف آن است، بیشتر خواهد بود. از این‌رو اگر روایتی از رجال و راویان اختصاصی اهل سنت نقل شده و قرینه‌ای بر نقل آن از روی تقیه یا اثبات فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) و ... نباشد، می‌توان انتقال این روایات از اهل سنت را احتمال داد. عمر بن خطاب، خلیفه دوم، از شخصیت‌های شناخته‌شده تاریخ اسلام است. با اینکه تردیدی در عدالت وی نزد اهل سنت و جایگاهش نزد شیعیان وجود ندارد، شیخ طوسی روایتی را از او نقل کرده است. وی در شأن نزول

ملاک‌های شناسایی شأن نزول منتقله از اهل سنت ... ۱۴۵

آیه «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ»^{۱۰} (توبه: ۱۱۷) این روایت را نقل می‌کند:

رُوي عن عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ: أَصَابَنَا عَطَشٌ شَدِيدٌ فَأَمَطَرَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِدُعَاءِ النَّبِيِّ (ص) فَعِشْنَا بِذَلِكَ (طوسی، بی‌تا: ۳۱۴/۵): از عمر روایت شده که می‌گوید: عطش شدیدی داشتیم که خداوند به دعای پیامبر (ص) از آسمان باران فرستاد و به وسیله آن زنده ماندیم.

در این روایت علاوه بر وجود راوی اختصاصی اهل سنت، تقدم نقل آن در منابع اهل سنت نیز یکی دیگر از قرائن انتقال آن است. ابوبکر بَرَّاز (متوفای ۲۹۲ ه.ق.) به اسناد خود از ابن عباس و وی از عمر این روایت را نقل می‌کند (بزاز، ۱۹۹۸: ۳۳۱/۱). در روایت وی از عمر پرسیده می‌شود که شأن «عُسْرَةَ» را توضیح دهد. وی آن را زمانی می‌داند که هنگام حرکت به تبوک همراه پیامبر خدا ﷺ در منزلی، تشنگی شدید بر اصحاب عارض می‌شود و مجبور به کشتن شتر و خالی کردن آب شکم او می‌شوند تا اینکه ابوبکر از حضرت درخواست دعا می‌کند و پس از دعای ایشان، بر آنها باران می‌بارد. دلائل النبوة ابوبکر فریابی (متوفای ۳۰۱ ه.ق.) (فریابی، ۱۴۰۶: ۷۷/۱)، تفسیر طبری (طبری، ۱۴۱۲: ۵۴۱/۱-۵۴۲)، صحیح ابن حبان (متوفای ۳۵۴ ه.ق.) (دارمی، ۱۴۱۴: ۲۲۳/۴) و تفسیر ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰۵/۵) روایت بَرَّاز را از ابن عباس و وی از عمر نقل می‌کنند.

در نتیجه، علاوه بر تقدم نقل این روایت به همین سند در منابع اهل سنت، باید توجه داشت که راویان و منابع دسته اول تفسیری و روایی شیعه اهتمامی به نقل روایت از مخالفان اهل بیت نداشته‌اند. از این رو، منتهی شدن سند روایت منقول در منبع شیعی به چنین افرادی، قرینه بر منتقله بودن چنین روایتی است. بنابراین، روایت شیخ طوسی از عمر به دو دلیل (تقدم نقل این روایت از اهل سنت و منتهی شدن روایت به راویان خاص اهل سنت) از روایات منتقله محسوب خواهد شد.

گزارش آماری: بر اساس بررسی نگارندگان، شیخ طوسی علاوه بر روایت افک که آن را از عایشه نقل کرده (طوسی، بی‌تا: ۴۱۵/۷) دو روایت شأن نزول نیز از عبدالله بن عمر نقل کرده است (همان: ۲۲۰/۳). طبرسی نیز دو روایت شأن نزول از عایشه نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۹/۲ و ۸۶۵/۱۰). در مجموع، مفسران شیعه حداقل پنج روایت در شأن نزول آیات قرآن از طریق وسیله راویان اختصاصی اهل سنت نقل کرده‌اند که به نظر می‌رسد این روایات از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعه راه یافته است. در نتیجه برخی رجال و راویان روایات تفسیری که روایات شأن نزول تفاسیر شیعه از آنها نقل می‌شود، از رجال تفسیری مختص اهل سنت بوده‌اند و بعضی از مفسران

شیعه با نقل روایات شأن نزول از آنان، این روایات را از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعه منتقل کرده‌اند.

د. سازگاری محتوایی روایات با باورهای خاص اهل سنت

در برخی از روایات شأن نزول تفاسیر شیعه، بدون توجه به سند روایت، قراین اعتقادی و کلامی وجود دارد که این روایات از منابع اهل سنت منتقل شده‌اند. این دسته از روایات، علاوه بر اینکه با آموزه‌های خاص اهل سنت سازگارند، با مبانی شیعه و برخی روایات شیعه در این موضوع ناسازگارند. به نظر می‌رسد این روایات از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعی راه یافته باشد، به‌خصوص در جاهایی که قرآنی این انتقال را تقویت می‌کند.

روایت اول ذیل آیه افک: برخی از روایاتی که درباره شأن نزول آیه ۱۱ سوره نور، مشهور به «آیه افک» نقل شده‌اند در تضاد با آموزه‌های اعتقادی شیعه (برخلاف اهل سنت) هستند. اهل سنت معتقدند این آیه درباره تهمت نازل شده که برخی منافقان به عایشه وارد کرده بودند. برخی از تفاسیر شیعه با انتقال این شأن نزول، روایت را نقل کرده‌اند.

دیدگاه مفسران شیعه: در میان مفسران شیعه مقاتل بن سلیمان (متوفای ۱۵۰ ه.ق.) که گرایش زیدی دارد، همین شأن نزول را نقل کرده (ابن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱۸۸/۳) اما قمی (متوفای ۳۲۹ ه.ق.) معتقد است اهل سنت شأن نزول این آیه را درباره عایشه می‌دانند، ولی روایات شیعه ماریه قبطیه را به جای او معرفی می‌کنند. قمی سپس روایت شیعه را نقل می‌کند (قمی، ۱۳۶۷: ۹۹/۲) که به آن خواهیم پرداخت. همین سخن قمی نشان می‌دهد که شهرت نقل این روایت در منابع اهل سنت به حدی بوده که قمی روایت شیعه را در برابر روایات اهل سنت قرار می‌دهد. شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) در شأن نزول این آیه به نقل از ابن عباس می‌گوید:

سبب افک این بود که عایشه در غزوه بنی المصطلق کاروان را ترک می‌کند و برای قضای حاجت دور می‌شود. سپس به طلب کاروان باز می‌گردد، در حالی که هودج وی به گمان اینکه داخلش است، حمل شده بود. زمانی که به موضع آنان می‌رسد، می‌بیند که کوچ کرده‌اند. صفوان بن معطل سلمی ذکوانی از پشت لشکر می‌آمده و به عایشه برمی‌خورد. آنگاه که او را می‌شناسد، شترش را می‌نشانند تا عایشه سوار شود و وی را تا لشکر می‌رساند که در ظهره نزول کرده بود. زهری از عایشه این‌گونه روایت کرده است (طوسی،

مفسران بعدی شیعه نیز همین شأن نزول را برای آیه افک نقل کرده، یا به نقد آن پرداخته‌اند: طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه.ق.) همانند نقل شیخ طوسی، این روایت را از خود عایشه نقل می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۵/۷)؛ ملا فتح‌الله کاشانی (متوفای ۹۸۸ ه.ق.) همین روایت را در شأن نزول این آیه ذکر می‌کند (کاشانی، ۱۴۲۳: ۴۸۲/۴)؛ فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ه.ق.) هر دو روایت اهل سنت و شیعه را نقل می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۸۳۹/۲)؛ حویزی (متوفای ۱۱۱۲ ه.ق.) نزول این آیه را در شأن عایشه می‌داند و روایت مذکور در کتب اهل سنت را نقل می‌کند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۹۶/۶)؛ حائری تهرانی (متوفای ۱۳۵۳ ه.ق.) پس از نقل روایت اهل سنت، به شأن نزول شیعه درباره این آیه می‌پردازد (حائری، ۱۳۷۷: ۲۲۳/۷)؛ بروجردی (متوفای ۱۳۸۰ ه.ق.) نیز هر دو نقل را ذکر می‌کند (بروجردی، ۱۳۶۶: ۴۷۶/۴)؛ محمدجواد مغنیه (متوفای ۱۴۰۰ ه.ق.) شأن نزول اهل سنت بر این آیه را محل اتفاق نظر مفسران و راویان همه مذاهب اسلامی دانسته، خلاف آن را شاذ می‌داند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۰۳/۵)؛ طباطبایی (متوفای ۱۴۰۲ ه.ق.) پس از نقل روایت اهل سنت، از چند جهت به آنها اشکال وارد می‌کند و روایت دوم قمی را که در شأن ماریه قبطیه است می‌پذیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۶/۱۵).

دیدگاه مفسران اهل سنت: در مقابل، منابع اهل سنت با اتفاق نظر در شأن نزول این آیه، به اسناد مختلف آن را درباره عایشه می‌دانند. مجاهد (متوفای ۱۰۴ ه.ق.) آیه را در شأن عایشه و عبدالله ابن ابی را تهمت‌زننده به وی معرفی می‌کند (مجاهد، ۱۴۱۰: ۴۹۰/۱)؛ ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ ه.ق.) نزول آیه را درباره عایشه می‌داند (ابن قتیبه، بی‌تا: ۲۵۸/۱)؛ طبری (متوفای ۳۱۰ ه.ق.) از مجاهد، ابن جریج و ضحاک شأن نزول آیه بر عایشه را نقل می‌کند. سپس از عبیدالله بن عبدالله بن عتبة بن مسعود روایتی را نقل می‌کند که ابتدای آن از عادت پیامبر بر قرعه‌انداختن برای همراهی یکی از زنان خویش، هنگام سفر ایشان حکایت دارد (طبری، ۱۴۲۰: ۱۲۰/۱۹)؛ زجاج (متوفای ۳۱۱ ه.ق.) نحوی و مفسر شهیر نیز این آیه را در شأن عایشه می‌داند (زجاج، ۱۴۰۸: ۳۴/۴)؛ ابن ابی حاتم (متوفای ۳۲۷ ه.ق.) نیز روایت طبری را به اسناد خود نقل می‌کند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۵۳۹/۸)؛ جصاص (متوفای ۳۷۰ ه.ق.) به این شأن نزول در بحث خود اشاره می‌کند (جصاص، ۱۴۰۵: ۱۶۱/۵)؛ سمرقندی (متوفای ۳۷۳ ه.ق.) آیه را در شأن عایشه می‌داند و روایتی را که در صدر آن قرعه‌انداختن پیامبر ﷺ بیان می‌شود نقل از ثقه می‌داند (سمرقندی، بی‌تا: ۴۹۹/۲)؛ ثعلبی (متوفای ۴۲۷ ه.ق.) با سلسله سند دیگری به همین روایت می‌پردازد (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۲/۷)؛ واحدی نیشابوری (متوفای ۴۶۸ ه.ق.) به نقل از ابن عباس و مفسران این شأن نزول را نقل می‌کند (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۵۸/۱۶)؛ کیه‌راسی

(متوفای ۵۰۴ ه.ق.) به نقل از علما مطلبی را نقل می‌کند که هر کس قذف عایشه را انجام دهد، کافر است؛ چون سخن خداوند را رد می‌کند (کیهراسی، ۱۴۰۵: ۳۰۸/۴)

سایر مفسران اهل سنت نیز به این مطلب در کتب خود اشاره کرده‌اند؛ از جمله بغوی (متوفای ۵۱۰ ه.ق.) در معالم التنزیل (بغوی، ۱۴۲۰: ۳۸۸/۳)، زمخشری (متوفای ۵۳۸ ه.ق.) در الکشاف (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۱۷/۳)، فخر رازی (متوفای ۶۰۶ ه.ق.) در مفاتیح الغیب (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۳۷/۲۳)، قرطبی (متوفای ۶۷۱ ه.ق.) در الجامع (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۹۷/۱۲)، بیضاوی (متوفای ۶۸۵ ه.ق.) (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۰۰/۴) و ثعالبی (متوفای ۸۷۵ ه.ق.) در جواهر الحسان (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۷۴/۴)، سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه.ق.) در الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۴۰/۶) و آلوسی (متوفای ۱۱۲۷ ه.ق.) در روح البیان (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۲/۶).

ایرادات محتوایی

۱. قرعه انداختن رسول خدا ﷺ برای همراهی یکی از همسران خود در سفر، فقط از عایشه نقل شده و برای این مطلب، جز این روایت، مؤید دیگری یافت نمی‌شود. در حالی که اگر عادت پیامبر ﷺ چنین بوده، باید چندین روایت در این باره نقل می‌شد.
۲. دائمی بودن حضور زنان پیامبر ﷺ به همراه ایشان، حتی در زمان جنگ، با شأن رسول خدا ﷺ و تدبیر سیاسی ایشان منافات دارد. از جهتی چنین اقدامی ممکن بود حضرت را در برابر شهوت ضعیف نشان دهد و همچنین برخوردارنشدن سایر مسلمانان از این امتیاز اختصاصی، عدالت ایشان را در نگاه اصحاب در معرض تردید قرار می‌داد، به خصوص با توجه به اینکه طبق آیات متعدد قرآن و روایات متواتر، گروهی از منافقان در سپاه ایشان حضور داشتند و برای تفرقه افکنی آماده بودند که همین موضوع، این مطلب را تقویت می‌کند.
۳. طباطبایی اشکال می‌کند که سیاق این روایت، شک داشتن رسول خدا ﷺ بر عایشه را تأیید می‌کند؛ وگرنه دلیل ایشان بر مکث تا نزول آیه چه می‌توانسته باشد؟ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۱/۱۵).
۴. چه دلیلی داشته که رسول خدا ﷺ پس از آگاهی از تهمتی که بر همسر خود وارد شده، اجرای حدّ شرعی قذف را متوقف کند؟ مگر اینکه اثبات شود آیات مربوط به حدّ قذف، پس از این قضیه، یعنی پس از غزوه بنی المصطلق، نازل شده باشد (همان).
۵. در این روایت صراحتاً بیان می‌شود که رسول خدا ﷺ پس از نزول آیه به عبدالله بن ابی دو حد، و به «مسطح، حسان و حمّنه» یک حدّ جاری کردند؛ چون عبدالله بن ابی همسر رسول خدا ﷺ را

قذف کرده بود (همان). در حالی که سنت قطعی رسول خدا ﷺ و عمومیت آیات حدود، چنین امتیاز و اختصاصی را نفی می‌کند و عدالت حضرت نیز با این مطلب سازگار نیست.

در نتیجه، این روایات به دلایل مختلفی با آموزه‌های شیعه سازگار نیست و تفاسیر شیعه بدون توجه به سازگاری محتوای این شأن نزول با باور اختصاصی اهل سنت در جایگاه خاص زنان پیامبر ﷺ، به خصوص عایشه، آن را در تفاسیر خود نقل کرده‌اند.

روایت دوم: شأن نزول دیگری که قمی آن را نقل کرده و در آن، حسادت عایشه به ماریه قبطیه و تهمت وی به ماریه نقل می‌شود (قمی، ۱۳۶۷: ۹۹/۲) در برخی تفاسیر شیعه محل توجه قرار گرفته و با مبانی شیعه سازگاری بیشتری دارد.

گزارش آماری: علاوه بر روایت فوق، دو روایت دیگر به احتمال قوی به همین قرینه از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعه انتقال یافته است. نخست روایت آفرینش حوا از دنده چپ آدم (علیه السلام) (همان: ۱۱۴/۲) و دوم برخی از روایات در قضیه ازدواج پیامبر ﷺ با همسر سابق زید (همان: ۱۷۲/۲). در نتیجه می‌توان گفت برخی از روایات شأن نزول تفاسیر شیعه از لحاظ محتوایی با باورهای خاص اهل سنت همسو بوده و این روایات با مبانی شیعه ناسازگارند که در این صورت می‌توان احتمال انتقال این بخش از روایات از منابع اهل سنت را مطرح کرد.

نتیجه

روایات شأن نزول در تفسیر و فهم محتوای آیات قرآن جایگاه مهمی دارند. بررسی اصالت این روایات و کشف ملاک‌های شناسایی روایات منتقله از این جهت اهمیت ویژه می‌یابد. بر این اساس، نوشتار حاضر با بررسی برخی از مهم‌ترین روایات شأن نزول منتقله در تفاسیر شیعه در تلاش برای یافتن ملاک‌هایی برای شناسایی روایات منتقله شأن نزول بوده است. با بررسی استقرایی و تحلیل منابع تفسیری، چهار ملاک و معیار برای شناخت روایات شأن نزول منتقله کشف و شناسایی می‌شود که عبارت‌اند از: تصریح برخی مفسران به نقل روایت از منابع اهل سنت، تقدّم تاریخی نقل روایت در منابع نخستین اهل سنت، وجود رجال و راویان اختصاصی اهل سنت در سند حدیث، و سازگاری محتوایی روایت با مبانی خاص اهل سنت.

۱. در برخی روایات شأن نزول تفاسیر شیعه که فضایل اهل بیت (علیهم السلام) بیان می‌شود، برای اسکات اهل سنت، مفسران شیعی صراحتاً از منابع آنان، در بیان شأن نزول این دسته از آیات

استفاده کرده‌اند. می‌توان تصریح نقل روایت از اهل سنت را یکی از ملاک‌های شناسایی روایات شأن نزول منتقله قرار داد.

۲. عده دیگری از مفسران شیعه با مشاهده سازگاری محتوایی روایت با باورهای شیعه، روایات اهل سنت را در بیان شأن نزول آیات قرآن نقل کرده‌اند که با پژوهش در منابع شیعی، اثری از منبع مستقل شیعی برای آن روایت یافت نمی‌شود و با توجه به تقدم نقل آن در منابع اهل سنت، احتمال انتقال آن از منابع اهل سنت تقویت می‌شود.

۳. در سند برخی از روایات شأن نزول تفاسیر شیعه، نام افرادی همچون عمر بن خطاب به چشم می‌خورد که قطعاً راویان شیعی جز از روی تقيه یا اثبات فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) از آنان مطالبی نقل نمی‌کنند و این روایات به احتمال قوی از منابع اهل سنت نقل شده و به منابع شیعی انتقال یافته است.

۴. برخی از روایات شأن نزول تفاسیر شیعه، فقط با آموزه‌های اهل سنت سازگارند و با مبانی شیعه ناسازگار هستند. بدون توجه به سند این دسته روایات محتمل است که این روایات از منابع اهل سنت به تفاسیر شیعی منتقل شده باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله: مؤدب، سید رضا؛ اویسی، کامران (۱۳۹۴). «بررسی منتقله‌بودن روایت ذبیح‌بودن اسحاق (ع) در تفسیر مجمع البیان»، در: پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۱۶، ص ۷-۳۸؛ مؤدب، سید رضا؛ اویسی، کامران (۱۳۹۵). «تحلیل روایات منتقله در مجمع البیان با تأکید بر روایت چشمه صالح (ع)»، در: مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ش ۶، ص ۲۵-۴۷؛ اویسی، کامران (۱۳۹۵). روایات تفسیری منتقله قصص انبیا در مجمع البیان، رساله دکتری، استاد راهنما: سید رضا مؤدب، دانشکده علوم قرآنی قم.
۲. «حکمت گم‌شده مؤمن است. پس هر کجا یکی از شما گم‌شده‌اش را بیابد، باید آن را به دست آورد».
۳. «حکمت گم‌شده مؤمن است و باید آن را طلب کند؛ هرچند که در دستان اهل شر باشد».
۴. «حکمت را از هر کسی که آن را به تو می‌دهد، بگیر و به آنچه گفت، توجه کن و به کسی که گفت توجه نکن».
۵. «فدایت شوم، آیا نزد اهل سنت از سخنان پیامبر خدا (ص) چیز صحیحی هست؟ فرمود: بله. پیامبر خدا (ص) بخشید و بخشید و بخشید. اما سرچشمه‌های علم و جداکننده حق و باطل نزد ما است».
۶. «و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغ‌هایی خواهد بود که از زیر (درختان) آنها جوی‌ها روان است».
۷. «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم».
۸. «خدای را از اینکه به پشه‌ای مثل زند، شرم نیاید».
۹. «در حقیقت، کسانی که (به اسلام) ایمان آورده، و کسانی که یهودی شده‌اند، و ترسایان و صابئان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت، و نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهناک خواهند شد».
۱۰. «خداوند بر پیامبر و بر مهاجران و انصاری که در زمان سختی از او پیروی کردند، عنایت کرد».

منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۷۶). زندگی نامه و آثار شیخ طوسی، ترجمه: علی رضا محمد و حمید طیبیان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آلوسی، محمود بن عبد الله (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دار الکتب الاسلامیة.
- ابن ابی حاتم، ابو محمد عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی: مکتبة نزار مصطفی الباز.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۶). تقریب التهذیب، حلب: دار الرشید.
- ابن سلیمان، مقاتل (۱۴۲۳). تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول (ﷺ)، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب (ﷺ)، قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا). سعد السعود للنفوس منضود، قم: دار الذخائر للمطبوعات.
- ابن قتیبه، ابو محمد عبد الله بن مسلم (بی تا). غریب القرآن، بی جا: بی نا.
- ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن نقاش موصلی، ابو بکر محمد بن حسن (بی تا). شفاء الصدور المهذب فی تفسیر القرآن، ریاض: نسخه خطی مرکز التفسیر للدراسات القرآنیة.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
- استرآبادی، سید شرف الدین علی (۱۴۰۹). تأویل الآیات الظاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اندلسی، ابو محمد عبد الحق بن غالب (۱۴۲۲). المحرّر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- بروجردی، سید حسین (۱۳۶۶). تفسیر الصراط المستقیم، قم: مؤسسه انصاریان.
- بزاز، احمد بن عمرو (۱۹۹۸). البحر الزاخر: مسند البزاز، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، مدینة منورة: مکتبة العلوم والحکم، الطبعة الاولى.
- بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود (۱۴۲۰). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، ابو سعید عبد الله بن عمر (۱۴۱۸). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعالبی، ابو زید عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۸). الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، ابو اسحاق احمد بن محمد (۱۴۲۲). الكشف والبیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). احکام القرآن، تحقیق: محمد صادق قمحوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حائری، میرسید علی تهرانی (۱۳۷۷). مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- حبري، حسین بن حکم (۱۴۰۸). تفسیر الحبري، بیروت: مؤسسة آل البيت (ﷺ) لاحیاء التراث.

ملاک‌های شناسایی شأن نزول منتقله از اهل سنت .../۱۵۳

- حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳). التفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل الجدید.
- حسکانی، عبید الله بن احمد (۱۴۱۱). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲). نهج الحق و كشف الصدق، بیروت: دار الكتاب اللبنانی.
- دارمی، محمد بن حبان بن احمد (۱۴۱۴). صحیح ابن حبان، تحقیق: شعیب أرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.
- دوانی، علی (۱۳۶۲). هزاره شیخ طوسی، تهران: چاپ‌خانه سپهر.
- رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغة، قم: هجرت.
- زجاج، ابوالاسحاق ابراهیم بن سری (۱۴۰۸). معانی القرآن و إعرابه، بیروت: عالم الكتب.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۲۲). تفسیر الوسیط، دمشق: دار الفکر.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ستار، حسین (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل دلایل و پیامدهای روایات منتقله در آثار شیخ صدوق، استاد راهنما: سید رضا مؤدب، استاد مشاور: محمدتقی دیاری بیدگلی و محسن قاسم‌پور، رساله دکتری علوم قرآن و حدیث، قم: دانشکده الاهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن محمد (بی‌تا). بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰). تفسیر سورآبادی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴). فتح القدر، بیروت: دار الکلم الطیب.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم، قم: بیدار.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام، تحقیق: محسن کوچه‌باغی، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰). جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- طنطاوی، سید محمد (بی‌تا). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزیع.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی، تهران: صدوق.
- عباسی، مهرداد (۱۳۹۶). «خلق قرآن»، در: دانش‌نامه جهان اسلام (۱۳۹۶). زیر نظر: غلام‌علی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ۱۶.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.

- عسکری، مرتضی (۱۳۷۴). القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: کلیة اصول الدین.
- علیانسب، سید محمد (۱۳۹۷). بررسی روایات شأن نزول منتقله از اهل سنت به تفاسیر شیعه، استاد راهنما: سید رضا مؤدب، استاد مشاور: سید ضیاءالدین علیانسب، قم: حوزه علمیه.
- فخرالدین رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فربایی، ابوبکر جعفر بن محمد (۱۴۰۶). دلائل النبوة، تحقیق: عامر حسن صبری، مکه مکرمه: دار حراء، الطبعة الاولى.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹). تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸). تفسیر الصافی، تهران: الصدر.
- قرآن کریم (۱۴۱۵). ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی دار القرآن الکریم.
- قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد (۱۳۸۴). الجامع لأحكام القرآن، قاهره: دار الکتب المصریة.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی، قم: دار الکتاب.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۷۳). خلاصة المنهج، تهران: اسلامیه.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۴۲۳). زیدة التفاسیر، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیاهارسی، عماد الدین علی بن محمد (۱۴۰۵). احکام القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین (۱۴۰۱). کنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجاهد، ابو الحجاج مجاهد بن جبر (۱۴۱۰). تفسیر مجاهد، مصر: دار الفکر الاسلامی.
- مراغی، أحمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مشهدی قمی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۵). تفسیر و مفسران، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تمهید.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵). التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تمهید.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسة امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مؤدب، سیدرضا؛ زمانی پهمدانی، کاظم (۱۳۹۶). «تحلیل روایت تفسیری منتقله ابن فحاح در خصوص کاستی از آیه ۳۳ آل عمران در امالی شیخ طوسی»، در: حدیث پژوهی، س ۹، ش ۱۷، ص ۱۴۷-۱۶۴.
- میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: امیرکبیر.
- میرزا خسروانی، علی رضا (۱۳۹۰). تفسیر خسروی، تهران: اسلامیه.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱). أسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة.

References

- The Holy Quran. 1994. Translated by Mohammad Mahdi Fuladwand, Tehran: Office of Islamic History and Education of the Noble Quran House.
- Abbasi, Mehrdad. 2017. "Khalgh Quran (Creation of the Quran)", in: *Encyclopedia of the Islamic World*. 2017. under auspices of Gholam Ali Haddad Adel, Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation, vol. 16. [in Farsi]
- Abu Hayyan Andolosi, Mohammad ibn Yusof. 1999. *Al-Bahr al-Mohit fi al-Tafsir (The Vast Sea in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Thought Institute. [in Arabic]
- Aghabozorg Tehrani, Mohammad Mohsen. 1997. *Zendeginameh wa Athar Sheikh Tusi (Biography and Works of Sheikh Tusi)*, Translated by Alireza Mohammad & Hamid Tabibiyan, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Alusi, Mahmud ibn Abdollah. 1994. *Ruh al-Maani fi Tafsir al-Quran al-Azim (The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran)*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Amedi, Abd al-Wahed ibn Mohammad. 1989. *Ghorar al-Hekam wa dorar al-Kalem ((Exalted Aphorisms and Pearls of Speech)*, Researched by Mahdi Rajayi, Qom: Islamic Book Institute. [in Arabic]
- Ameli, Ibrahim. 1981. *Tafsir Ameli*, Tehran: Sadugh. [in Farsi]
- Andolosi, Abu Mohammad Abd al-Hagh ibn Ghaleb. 2001. *Al-Moharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Ketab al-Aziz (The Concise Text on the Interpretation of the Noble Book)*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Arusi Howeyzi, Abd Ali ibn Jomah. 1994. *Tafsir Nur al-Thaghalayn (The Exegesis of the Light of Two Weighty Things)*, Qom: Esmailiyan. [in Arabic]
- Askari, Morteza. 1995. *Al-Quran al-Karim wa Rewayat al-Madresetayn (The Noble Quran and the Narrations of the Two Schools)*, Qom: College of the Principles of Religion. [in Arabic]
- Baghawi, Abu Mohammad Hoseyn ibn Masud. 1999. *Maalem al-Tanzil fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Bahrani, Seyyed Hashem. 1995. *Al-Borhan fi Tafsir al-Quran (Argument in the Interpretation of the Quran)*, Qom: Bethat Foundation. [in Arabic]

- Bazzaz, Ahmad ibn Amr. 1998. *Al-Bahr al-Zakher: Mosnad al-Bazzar*, Researched by Mahfuz al-Rahman Zaynollah, Medina: Science and Wisdom Publications, First Edition. [in Arabic]
- Beyzawi, Abu Said Abdollah ibn Omar. 1997. *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Tawil (Lights of the Revelation and Secrets of the Interpretation)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Borujerdi, Seyyed Hoseyn. 1987. *Tafsir al-Serat al-Mostaghim (Interpretation of the Straight Path)*, Qom: Ansariyan Institute.
- Darmi, Mohammad ibn Habban ibn Ahmad. 1993. *Sahih ibn Habban*, Researched by Shoayb al-Arnout, Beirut: Al-Resalah Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Dawani, Ali. 1983. *Millennium of Sheikh Tusi*, Tehran: Sepehr Printing House. [in Farsi]
- Estar Abadi, Seyyed Sharaf al-Din Ali. 1989. *Tawil al-Ayat al-Zahereh (Interpretation of Outstanding Verses)*, Qom: Islamic Publishing Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Fakhr al-Din Razi, Abu Abdollah Mohammad ibn Omar. 1999. *Mafatih al-Ghayb (Unseen Keys)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Fazlollah, Seyyed Mohammad Hoseyn. 1998. *Tafsir men Wahy al-Quran (Interpretation from the Revelation of the Quran)*, Beirut: Al-Melak Institute for Printing and Publishing. [in Arabic]
- Feryabi, Abubakr Jafar ibn Mohammad. 1985. *Dalael al-Nobowwah (Prophecy Signs)*, Researched by Amer Hasan Sabri, Mecca: Hara Institute, First Edition. [in Arabic]
- Feyz Kashani, Molla Mohsen. 1997. *Tafsir al-Safi*, Tehran: Al-Sadr. [in Arabic]
- Ghortobi, Abu Abdollah Mohammad ibn Ahmad. 1964. *Al-Jame le Ahkam al-Quran (Collection of the Quranic Rulings)*, Cairo: Egyptian Book House. [in Arabic]
- Haeri, Mir Seyyed Ali Tehrani. 1957. *Moghtaniyat al-Dorar wa Moltaghatat al-Thamar (Obtained Pearls and Picked Fruits)*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]
- Haskani, Obeydollah ibn Ahmad. 1990. *Shawahed al-Tanzil le Ghawaed al-Tafzil*, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Tehran]

- Hebri, Hoseyn ibn Hakam. 1987. *Tafsir al-Hebri*, Beirut: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Hejazi, Mohammad Mahmud. 1992. *Al-Tafsir al-Wazeh (Explicit Exegesis)*, Beirut: Al-Jayl Institute. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1982. *Nahj al-Hagh wa Kashf al-Sedgh (Approach of Truth and Discovery of Truth)*, Beirut: Lebanese Book Institute. [in Arabic]
- Ibn Abi Hatam, Abu Mohammad Abd al-Rahman ibn Mohammad. 1998. *Tafsir al-Quran al-Azim (Interpretation of the Great Quran)*, Saudi Arabia: Nazzar Mustafa Al-Baz Institute. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybeh, Abu Mohammad Abdollah ibn Moslem. n.d. *Gharib al-Quran (Dictionary of Quranic Terms)*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Ahmad ibn Ali. 1985. *Taghrib al-Tahzib*, Aleppo: Al-Rashid Institute. [in Arabic]
- Ibn Kathir, Abu al-Feda Ismail ibn Omar. 1998. *Tafsir al-Quran al-Azim (Interpretation of the Great Quran)*, Researched by Mohammad Hoseyn Shams al-Din, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Ibn Naghghash Museli, Abubakr Mohammad ibn Hasan. n.d. *Shefa al-Sodur al-Mohazzab fi Tafsir al-Quran (Healing Refined Breasts in Explanation of the Qoran)*, Riyadh: The Manuscript of the Center for Interpreting Quran Studies). [in Arabic]
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Mohammad ibn Ali. 2000. *Managheb Al Abi Taleb (AS) (Virtues of Abi Taleb's Family)*, Qom: Allameh. [in Arabic]
- Ibn Shobeh Harrani, Hasan ibn Ali. 1984. *Tohaf al-Oghul an Al al-Rasul (AS)*, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Book. [in Farsi]
- Ibn Soleyman, Moghatel. 2002. *Tafsir Moghatel ibn Soleyman*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. n.d. *Sad al-Soud le al-Nofus Manzud*, Qom: Reserve House for Publications. [in Arabic]
- Jassas, Ahmad ibn Ali. 1984. *Ahkam al-Quran (Quranic Rulings)*, Researched by Mohammad Sadegh Ghamhawi, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Kashani, Molla Fathollah. 1994. *Kholasah al-Manhaj (Method Summary)*, Tehran: Eslamiyeh. [in Arabic]

- Kashani, Molla Fathollah. 2002. *Zobdah al-Tafasir (Excerpts of Exegeses)*, Qom: Islamic Teachings Foundation. [in Arabic]
- Kiyaharasi, Emad al-Din Ali ibn Mohammad. 1984. *Ahkam al-Quran (Quranic Rulings)*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Al-Kafi*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]
- Kufi, Forat ibn Ibrahim. 1989. *Tafsir Forat al-Kufi*, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. 2000. *Al-Amthal fi Tafsir Ketab Allah al-Monzal (The Ideal Commentary of the Revealed Book of Allah)*, Qom: Imam Ali ibn Abi Taleb School. [in Arabic]
- Maraghi, Ahmad ibn Mostafa. n.d. *Tafsir al-Maraghi*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Marefat, Mohammad Hadi. 1994. *Al-Tamhid fi Olum al-Quran (Introduction to Quranic Sciences)*, Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute, vol. 2. [in Farsi]
- Marefat, Mohammad Hadi. 2006. *Tafsir wa Mofasseran (Exegesis and Exegetes)*, Qom: Tamhid Publishing Cultural Institute. [in Farsi]
- Mashhadi Qomi, Mohammad ibn Mohammad Reza. 1989. *Tafsir Kanz al-Daghaegh wa Bahr al-Gharaeb*, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Arabic]
- Meybodi, Rashid al-Din Ahmad ibn Sad. 1992. *Kashf al-Asrar wa Oddah al-Abrar (Revelation of Secrets and Provision for the Righteous)*, Tehran: Amirkabir. [in Arabic]
- Mirza Khosrawani, Alireza. 2011. *Tafsir Khosrawi*, Tehran: Eslamiyeh. [in Farsi]
- Moaddab, Seyyed Reza; Zamani Pahmadani, Kazem. 2017. "Tahlil Rewayat Tafsiri Montagheleh Ibn Fahham dar Khosus Kasti az Ayeh 33 Al Emran dar Amali Sheykh Tusi (Analysis of the Interpretive Narration Transmitted by Ibn Fahham Regarding the Shortcoming of Verse 33 of Al-Imran in the Book Amali of Sheikh Tusi)", in: *Hadith Studies*, yr. 9, no. 17, pp. 147-164. [in Farsi]
- Moghniyeh, Mohammad Jawad. 2004. *Tafsir al-Kashef*, Tehran: Islamic Book House. [in Arabic]
- Mojahed, Abu al-Hajjaj Mojahed ibn Jabr. 1989. *Tafsir Mojahed*, Egypt: Islamic Thought Institute. [in Arabic]

- Mottaghi Hendi, Ala al-Din Ali ibn Hesam al-Din. 1980. *Kanz al-Ommal fi Sonan al-Aghwal wa al-Afaal (Kanz al-Ommal fi Sonan al-Aghwal wa al-Afaal (The Treasure of Workers in the Tradition of Words and Deeds)*, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Olyanasab, Seyyed Mohammad. 2018. Barresi Rewayat Shan Nozul Montagheleh az Ahl Sonnat be Tafasir Shiah (Examing the Narrations of Revelation Occasions Transmitted from the Sunnis to the Shiite Interpretations), Supervisor: Seyyed Reza Moaddab, Advisor: Seyyed Ziya al-Din Olyanasab, Qom: Semonary. [in Farsi]
- Qomi, Ali ibn Ibrahim. 1988. *Al-Tafsir (Tafsir Qomi)*, Qom: Book House. [in Arabic]
- Razi, Mohammad ibn Hoseyn. 1993. *Nahj al-Balaghah*, Qom: Hejrat. [in Arabic]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim. 1946. *Tafsir al-Quran al-Karim (Exegesis of the Holy Quran)*, Qom: Bidar. [in Arabic]
- Saffar, Mohammad ibn Hasan. 1983. *Basaer al-Darajat fi Fazael Al Mohammad (S) (Insights Degrees in the Virtues of the Family of Mohammad)*, Researched by Mohsen Kucheh Baghi, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Samarghandi, Nasr ibn Mohammad ibn Mohammad. n.d. *Bahr al-Olum (Sea of Sciences)*, Beirut: Thought Institute. [in Arabic]
- Sattar, Hoseyn. 2014. Barresi wa Tahlil Dalael wa Payamad-hay Rewayat Montagheleh dar Athar Sheikh Sadugh (Investigation and Analysis of the Reasons and Consequences of the Narrations Transmitted in the Works of Sheikh Sadugh), Supervisor: Seyyed Reza Moaddab, Advisor: Mohammad Taghi Diyari Bidgoli & Mohsen Ghasempur, PhD Thesis in Quran and Hadith Sciences, Qom: Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom. [in Farsi]
- Shokani, Mohammad ibn Ali. 1993. *Fath al-Ghadir*, Beirut: Pure Words Institute. [in Arabic]
- Siyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. 1983. *Al-Dorr al-Manthur fi al-Tafsir be al-Mathur (The Narrative Pearl in the Interpretation of the Quran by Narrations)*, Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. [in Arabic]
- Surabadi, Abubakr Atigh ibn Mohammad. 2001. *Tafsir Surabadi*, Tehran: Culture of New Publishing. [in Farsi]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1999. *Jame al-Bayan fi Tawil al-Quran (Comprehensive Statement on the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]

- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1993. *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Statements on the Interpretation of the Quran)*, Tehran: Naser Khosro. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1998. *Tafsir Jawame al-Jame*, Tehran: University of Tehran & Management of Qom Seminary. [in Arabic]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 1996. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Yardstick of the Interpretation of the Quran)*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]
- Tantawi, Seyyed Mohammad. n.d. *Al-Tafsir al-Wasit le al-Quran al-Karim (Intermediate Interpretation of the Holy Quran)*, Cairo: Egypt's Renaissance House for Printing, Publishing and Distribution. [in Arabic]
- Thaalebi, Abu Zeyd Abd al-Rahman ibn Mohammad. 1997. *Al-Jawaher al-Hesan fi Tafsir al-Quran (Good Jewels in Interpretation of al-Quran)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Thalabi, Abu Eshagh Ahmad ibn Mohammad. 2001. *Al-Kashf wa al-Bayan an Tafsir al-Quran (Clarification and Explanation of the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Mohammad. n.d. *Al-Tebyan fi Tafsir al-Quran (Clarification of the Quran Exegesis)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Wahedi Neyshaburi, Ali ibn Ahmad. 1990. *Asbab Nozul al-Quran (Circumstances of the Revelation of the Quran)*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Zajaj, Abu Eshagh Ibrahim ibn Sari. 1987. *Maani al-Quran wa Eraboh (The Meanings of the Quran and Its Syntax)*, Beirut: Books World. [in Arabic]
- Zamakhshari, Abu al-Ghasem Mahmud ibn Amr. 1986. *Al-Kashshaf an Haghaegh Ghawamez al-Tanzil (Discovering the Facts about the Mysteries of Revelation)*, Beirut: Arabic Book Institute. [in Arabic]
- Zoheyli, Wahabah ibn Mostafa. 2001. *Tafsir al-Wasit*, Damascus: Thought Institute. [in Arabic]